

سازمانده کمونیست ۵

سر دبیر: اسد گلچینی

Www.hekmatist.com
Sazemande@yahoo.com

اسفند ۱۳۸۳ - مارس ۲۰۰۵

در باره فعالیت کمونیستی



فاتح شیخ

لغو قرار داد های موقت
کار و خواست استخدام
رسمی مطالبه فوری و
سراسری طبقه کارگر

مصطفی اسد پور در گفتگو با اسد گلچینی

ص ۳

فعالیت کمونیستی فعالیتی اجتماعی و به این اعتبار اساسا علنی است. آنچه در شرایط خفقان پلیسی ناگزیرید غیر علنی نگاه دارید، سازمان حزبی این فعالیت است. ص ۱۳

زنده باد ۸ مارس زنده باد آزادیخواهی و برابری طلبی

در صفحات دیگر

← درسها و تجاربی از اول ماه مه

نسان نودینیان

← چرا همه ۸ مارس نشوند؟

اسد گلچینی

کوروش مدرسی

آزادی زن، مرگ جمهوری اسلامی است!
۸ مارس روز "نه" دیگری به جمهوری
اسلامی است!

زنان ایران!
هیچ چیز بیش از موقعیت فرودست زن در ایران به حیات جمهوری اسلامی
گره نخورده است. زنان اتباع درجه سوم جمهوری اسلامی هستند.

ص ۲

آزادی برابری حکومت کارگری



کوروش مدرسی

آزادی زن، مرگ جمهوری اسلامی است! ۸ مارس روز "نه" دیگری به جمهوری اسلامی است!

زنان ایران!

هیچ چیز بیش از موقعیت فرودست زن در ایران به حیات جمهوری اسلامی گره نخورده است. زنان اتباع درجه سوم جمهوری اسلامی هستند. زن برده و مایملک مرد است. این حکم قران، حکم خدا و حکم جمهوری اسلامی، این نمایندگان خدا روی زمین است. این نظم انسانی نیست باید سرنگون شود.

مردم!

امروز بیش از همیشه آزادی، و تضمین حق برخورداری زن از کلیه نعمات مادی و معنوی جامعه شاخص تغییر واقعی در ایران است. آزادی زن بیش از هر وقت دیگری و بیش از هر جای دیگری در ایران به معنی آزادی انسان است. ۸ مارس تنها روز زن نیست. روز انسان است. روزی است که همه مردم باید اعلام کنند که آزادی زن شاخص آزادی در ایران است. روزی که حجاب اجباری برقرار نباشد، روزی که در ایران زن با مرد متساوی الحقوق اعلام شود، روزی که معاشرت زن و مرد در جامعه بعنوان یک حق انسانی اعلام گردد، آن روز روز سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۸ مارس روز "نه" به حجاب اسلامی، روز "نه" به آپارتاید جنسی، روز "نه" به جمهوری اسلامی است. از طرف حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه شما را به پیوستن به این جنبش عظیم انسانی دعوت میکنم. دست جمهوری اسلامی و دست مذهب را باید از زندگی مردم کوتاه شود.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی و برابری

زنده باد سوسیالیسم

۲ مارس ۲۰۰۵ - ۱۲ اسفند ۱۳۸۳

لغو قرار داد های موقت کار و خواست استخدام رسمی مطالبه فوری و سراسری طبقه کارگر

مصطفی اسد پور در گفتگو با اسد گلچینی



يك جمعبندي فشرده از موقعيت فعلی صفت کارگری در این زور آزمایی از نظر شما چیست؟

اسد گلچینی:

استخدام دائم محروم کند، اجحافات بیشماری را جاری کند و هیچ تامین اجتماعی عمومی برای خانواده های کارگران و کل جامعه هم وجود نداشته باشد و حتی تامین معیشت "زندگی" به قول خودشان "زیر خط فقر شدید" را هم ندهند و کارگر امروز با ۱۵۰ هزار تومان در آمد ماهانه حتی قادر به تامین یک یا دو نفر از خانواده اش نیست. این دو سال اخیر موجی از اخراج و بیکار کردن کارگران تحت عنوان بازسازی و نوسازی صنایع در جریان بوده است و کار قراردادی و کار موقت تماما به عنوان شکل غالب و عادی استخدام جا گیر شود و این توانسته است تا همین جا، امنیت شغلی و تامین همان سطح از زندگی را هم در مخاطره قرار دهد. در برابر چنین شرایط بردگی، بدیهی است که

تعرض به زندگی و معیشت کارگران و تحمیل محرومیت و استثمار بیشتر طبقه کارگر در دو سال گذشته بویژه بی سابقه بوده است. رژیم و کل طبقه سرمایه دار و کارفرما برای حفظ سود آوری کلان و کاهش بحران های سیاسی و اقتصادی، آنچنان فرصتی بدست آورده است که بر راحتی قادر است شرایط کار و استخدام را بدون دخالت طبقه کارگر و تشکل ها و نمایندگان تعیین کند، بدون هیچ مشکلی ماه ها و سال ها دستمزد کارگران را نپردازد و کل ماشین سرکوب و تحمیل رژیم را هم در این راستا در خدمت داشته باشد. امروزه در غیاب نمایندگان کارگران و تشکلهای کارگری، کل این دستگاه سرکوب و خفقان قادر شده است سطح دستمزد کارگران را پایین تر از ۲۵ سال پیش نگاه دارد، اکثریت طبقه کارگر را از کار و

آش از این حرفها شورتر شده است! مجلس شورای اسلامی در همان اولین جلسات تشکیلش، خروج کارگران قراردادی را از شمول قانون کار - همین قانون کار ضد کارگری رژیم - در بوق کردند. این قانون فرضی میتوانست خروج ۶۰ - ۷۰ درصد از افراد شاغل کشور را شامل گردد. همین به اندازه کافی در مورد وضع طبقه کارگر، صفت مقاومت، قدرت مقاومت او و سطح زندگی اش گویاست.

علیه این گونه استثمار کارگر طبعا مقاومت وجود داشته است. نارضایتی وسیعا موج زده است و اشکال مختلف مقاومت هم آزمایش شده است. اما به صفتی متحد و پرقدرت منجر نشد. تعرض جمهوری اسلامی سر فروکش ندارد و به همان اندازه جستجو و ضرورت چاره جویی کارگران پیشرو را شدیدا به خود مشغول کرده است.

سالها از این تعرض به شغل و حقوق و سطح زندگی کارگران در ایران میگذرد. وقتی به مقاومت ها و سنگر بندی در مقابل آن فکر میکنید،



مصطفی اسد پور:

خرخره طبقه کارگر در دست کار موقت قراردادی

قراردادهای موقت و اشتغال موقت کارگران در سالهای اخیر مبنای تعرضی بی امان به طبقه کارگر ایران بوده است. جای اشتغال ثابت را قراردادهای موقت گرفته است. دامنه زمانی این قراردادها هرچه میگذرد کوتاه تر میگردد. قبلا شش ماهه بود و اخیرا قراردادهای دو هفته ای هم دارد "مد" میشود. هرچه که دامنه این روال کار در مراکز کارگری بیشتر پا میگیرد، گلوی کارگر فشرده تر میشود. جمهوری اسلامی هیچ وقت سطح زندگی، امنیت و حقوق سیاسی - اجتماعی دندان گیری را برای کارگر قایل نبوده است. اما با کار قراردادی

دارد، هر جمع مطلع و در گیر قادر به تعیین شعار و فرموله کردن خواستها هست، آنچه مشکل است وجود همین صف مقاومت و اعتراض کارگری است، مشکل عدم حضور فعال ارتباطات کارگری و مراکز کارگری با هم است، مشکل وجود چنین تشکل ها و ارتباطاتی است که به شکل های مختلف بتواند این خواست ها را و بویژه خواست لغو قرارداد های موقت و برقراری استخدام ثابت را در سطح اجتماع مطرح کند، تصمیمات مشترک اتخاذ کنند و حمایت دیگر بخشها هم که همین خواستها را دارند جلب کنند. بعضا این ارتباطات هست ولی هنوز به این سطح از فعالیت قانع نیست و به دلایل مختلف که بالاتر هم اشاره کردیم پا به این عرصه نمیگذارند، روابط وسیع کارگری که قادر به اقدام و حرکت مشترک و قوی باشد، عمل مشترک و آکسیون مشترک اعم از تحصن و اعتصاب و هر اعتراضی که بتواند گلوی رژیم و سرمایه دار را آنچنان بفشارد که آنرا از تعرض و هر روز بی حقوق کردن کارگران باز دارد و قادر به پیگیری خواست هایش باشد، هنوز پا نگرفته است. هنوز در همه جبهه ها کارگران در حالت دفاعیند. آنچه مورد نظر

میتوانند صدای اعتراض کارگران و مردم محروم باشند را در شرایطی قرار میدهند که بشدت محدود شوند. کارگران و فعالین طبقه کارگر با چنین شرایط دشواری بویژه در دو سال گذشته روبرو بوده اند و جنبش کارگری بر اثر این شرایط یک فاز دیگر به عقب رانده شده است که بنظر من اساسی ترین شاخص آن همین تحمیل استخدام موقت و قرار داد های موقت است که شرایط بردگی را میخاهد به طبقه کارگر تحمیل کند.

مصطفی اسدپور:

یک صف مقاومت کارگری حول چه خواست هایی میتواند شکل بگیرد؟
خواست "حفظ اشتغال"، "بیمه بیکاری"، "کنترل کارگری بر کارخانه"؛ آشنا ترین خواست هایی است که به ذهن خطور میکند. شما چه فکر میکنید؟

اسد گلچینی:

من هم فکر میکنم که "استخدام رسمی" و "یا" حفظ اشتغال" و "بیمه بیکاری" برای همه افراد بیکار اعم از زن و مرد آماده به کار، از خواستهای محوری است که وسیعا مورد استقبال است، به نظر من در جنبش کارگری کمتر مشکل تعیین شعار وجود

تحمیلی است. در غیاب یک زورآزمایی همه جانبه و متکی بر اراده کارگران در واحد های تولیدی و در غیاب جنبش مجمع عمومی آنها، یک اعتراض و نارضایتی به عمق جامعه در حال انفجار کارگری سازمان نیافته وجود دارد، اعتراضی به وسعت همه کارگران و بیکاران وجود دارد. اما در سطح علنی و سراسری هنوز پرچم این مبارزه برداشته نشده است. این هنوز خانه کارگر است که به عنوان تشکیلاتی متعلق به همین سیستم و ماشین سرکوب و خفقان، مشغول نق زدن هایی است که بعضا میتواند در سطح محدودی، کارگران را هم فریب داده و پرچم خود را دست آنها بدهد. و یا توافقات رژیم و سازمان جهانی کار است که جامعه را بیشتر متوجه خود کرده است و همین ها هم از موانع دیگری است که فعالین کارگران با آن روبرو هستند. همانطور که همه میدانیم در ایران که فعالین اول ماه مه و فعالین جنبشهای جوانان و زنان و کودکان تحت پیگرد و تهدید، زندان، جریمه، ترور و زندان قرار میگیرند میدان این زورآزمایی علنی و اجتماعی کماکان در دست مزدورانی همچون محجوب و صادقی و امثالهم است و کارگرانی که میخواهند و

طبقه کارگر و فعالین کارگری شدیدترین اعتراض و نارضایتی را در اشکال مختلف نشان داده اند و در هر رودرویی نارضایتی عمیق خود را بروز داده است، روزی را شما نمیتوانید بیابید که کارخانه ها و کارگاه هایی که در معرض شدیدترین این تعرضات قرار گرفته اند، اعتراض و تحصن و اعتصاب و تجمعی نداشته باشد. در ابعاد وسیعی این حرکات و زورآزمایی در جریان است منتها بنا به همین شرایطی که به آن اشاره داریم، شرایطی که رژیم و طبقه سرمایه دار فراهم کرده است، این مبارزات پراکنده اند، در مرکز صنایع کلیدی نیست، سراسری نیست و رهبران و فعالین سوسیالیست و کمونیست در چنین سطحی قادر به جلو افتادن و سازمان دادن این مبارزه نشده اند. رودر رویی وسیعی در جریان است و اخیرا نیز بسیاری از کارگران و فعالین کارگری در اعتراض به نبود تشکل کارگران و اعتراض به برسمیت شناسی خانه کارگر به عنوان تشکل کارگری از طرف سازمان جهانی کار مبارزه ای سراسری را سازمان داده اند که همه اینها بخشی از این زورآزمایی و رو در روئی کارگران و فعالین در مقابل این شرایط

استخدام رسمی، لغو قرار داد های موقت، خواست فوری کارگران است

من است وجود مجامع عمومی در هر کارگاه و واحد تولیدی و هر جمع کارگری است، منظور جنبش مجمع عمومی است که در واحد های مختلف به هم مرتبطند، رهبران و فعالین آنها به هم مرتبطند و اینها هنوز محدود است و سراسری نیست تا بتواند بسیاری از فعالین را دور خود جمع کند و حمایت سراسری و بین المللی کارگران را هم جلب کند و ... فعالیتهای متنوع زیادی هم در جریان است که همه با ارزشند و جایگاه خود را دارند.

بطور مشخص تر اجازه بدهید مثال فعالیت اخیر "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در ایران" را مختصر اشاره ای بکنم. اقدام و فعالیتهای این کمیته و تبلیغاتی که دارد به نظرم نمونه خوبی است، تلاش ارزشمندی است و نه تنها این بلکه هر اندازه کوچک تر از این هم باید مورد حمایت باشد، تجربه مهمی است و تلاش برای متحد کردن و عمل مشترک بخشهای مختلفی را در دستور دارد که با ارزش است. که جا دارد مفصل تر به تجارب آن پرداخت.

در کنار این فعالیتهای البته به نظر من اشکالات جدی هم در این حرکت از همین بدوا شروع آشکار است و چنانچه فعالین کمونیست قادر به تاثیر گذاری بر آنها باشند مایه امید زیادی در جنبش کارگری خواهد شد.

کار قانونی و ایراد و

اعتراض به قانون کار رژیم و قوانین جاری سرمایه داران لازم و حیاتی است منتها تبدیل شدن به نیروی رقیب برای خانه کارگر و این چینی از خود بدست دادن و نداشتن استراتژی مراجعه به جنبش توده کارگران و از پایین، برای کارگران آزادی تشکل و خود تشکل را بوجود نمی آورد. جمع کردن نیرو برای صرفا اعتراض و فشار اقدامی به شدت محدود و کم نتیجه است. ببینید این دوستان بالاخره چه زمانی و با چه تعداد و در چه روزی آنچه را که طلب دارند میخواهند عملی کنند؟ اصلا این خیال را دارند؟ یا اساسا منتظراند که وزارت کار برایشان رفع موانع کند تا آنها تشکل هایشان را بر پا کنند؟ و یا خواهان برسمیت شناختن نمایندگان کارگران و حضور آنها در مجامع بین المللی و نمایندگی شدن کارگران را دارند ولی حاضر نیستند به کارگران مراجعه کنند و تشکل هایشان را بسازند. چند هزار نفر نیرو و تصمیم چند ده نفر از فعالین در راس این حرکت کافی نیست که این کمیته اعلام تشکل مورد نظرش را بکند؟

همه این دوستان به خاطر دارند که فعالیتهای مشابهی در چند سال گذشته عمدتا از طرف خودشان هم و آن زمان بنا به منظور مشابهی، اقدام برای ایجاد سندیکا ها، امضا جمع شد و ... اما همه میدانیم که منجر

به چیزی نشد. اینها ایراداتی است که در این اعلام و فعالیتهای دیده میشود. و راستش خط مشی و تصمیمی که این دوستان در این فعالیتهای دنبال میکنند استراتژی انتظار و تمایل شدید به صرفا فشار به قانون است. به نظر نمیرسد که خود بخواهند به این بیندیشد که میتواند خود را بر قانون تحمیل کنند. قانون را با نیرویی که بسیج میکنند تغییر دهند و ... اگر این دوستان با ۴ هزار نفر و همه حمایتی که دارند نتوانند اولین تشکل مستقل و کارگری خود را بر پا کنند و اعلامیه شان را به جای درخواست برسمیت شناسی از جانب وزارت کار، به اعلام تشکل کارگران با هر اسم و رسمی که هست تغییر ندهند متاسفانه کار به جایی نخواهد برد. کار و اعتراض این دوستان قابل تقدیر است اما به نظر من اگر در روش خود تغییراتی در جهت متکی کردن فعالیت به عمل مستقیم داشته باشند این کمیته و فعالیتهای مشترک را با موجی از حمایت روبرو میکند و جنبش کارگری را در سطح سراسری به جلو خواهد برد.

نکات دیگری در مورد شعار ها اضافه کنم، امروزه هر کدام از شعار هایی که گفتید بالقوه نیروی خود را دارد؛ کارگران رشته هایی که در معرض تهدید برای تعطیل شدن قرار دارند و معمولا شامل آن دسته از

مراکزی هم هستند که با تعویق دستمزدها روبرو میباشند، فعالیتهای مشابه ولی پراکنده ای دارند، همین مراکز در صف مقدم اخراج بوده اند و تقریبا همه مراکز یا به صورت استخدام موقت در آمده اند و یا مساله در آنجا ها هم در جریان است. خواست اشتغال و استخدام رسمی وسیعا مورد توجه می باشد مساله وجود رابطه شبکه ها و آنچنان روابطی در بین کارگران معترض و فعال است که عبور جنبش کارگری از این پیچ را هدف فوری خود بداند و برای آن نقشه داشته باشد نقشه ای با وسعت توجه به کل طبقه کارگر در ایران، صنایع کلیدی و نفت، جلب حمایت طبقه کارگر جهانی و کارزار احزاب سیاسی باشد. اینها مسایلی است که فعالین و رهبران کارگری بعضا به آنها توجه کرده اند. امروز رژیم و طبقه سرمایه دار و همینطور سرمایه جهانی و سازمان جهانی کار (ILO) که خانه کارگر و شوراهای اسلامی را هم به عنوان تشکل کارگران برسمیت شناخت، برای کارگران ایران نسخه تثبیت این وضعیت را دارند که این بار قرار است از جمله تحت نام سندیکا هم اجرا شود.

برپایی مجمع عمومی (تشکل واقعی و متکی بر اراده کارگران) که اتفاقا در هر شرایطی میتواند مناسب باشد و دامن زدن به این جنبش میتواند ظرف مناسب

برای بیان و طرح خواستها و مطالبات باشد. طرح مطالبه لغو قرار داد های موقت کار و خواستار استخدام رسمی و بیمه بیکاری برای همه بیکاران، امروز در چنین مسیری امکان تبدیل به پرچم مبارزه ای رادیکال در مقابل این تعرض سرمایه را خواهد یافت.

اما یک نکته مختصر در باره شعار کنترل کارگری بر کارخانه را تاکید کنم، به نظر من این شعار (کنترل کارگری بر کارخانه) خواست مربوطی نیست، در حالی که کارگران به منابع ثروت و سرمایه دسترسی ندارند چگونه میتوانند تولید و باز تولید را ممکن کنند؟ منظور باید روشن شود اگر در چنین شرایطی قرار است که این کنترل صورت بگیرد و این خواست طرح شود (که بعضا طرح میشود) این صرفا خیالات است و کارگران را دنبال کارخانه و کارگاه های ورشکست شده ای میفرستد که سرمایه دار با توجه به امکان مالی و اعتبار دولتی که دارد از دست آن فراری است و میخواهد به رشته ای برود که سودی که طلب دارد را بدست بیاورد و این شعار در غیاب قدرت اتحاد و تشکل سراسری و سیاسی کارگری به نظرم بی معنی است.

مصطفی اسدپور:

کار قراردادی با يك پدیده

مهم اقتصادی در جمهوری اسلامی همراه است، و آنهم ورشکستگی های گسترده در مراکز تولیدی است. به این باید خصوصی سازی ها و دست به دست شدن کارخانه ها را هم اضافه کرد. مشکلی که پیش میاید این است که تشخیص اینکه یقه چه کسی را باید گرفت، خود يك "معما" شده است. و بعلاوه در خیلی مواقع کارخانه جلوی چشم همه تعطیل میشود، جا برای همه کارگران نیست و ... شما این "واقعیات" را چگونه میبینید؟

اسد گلچینی:

آنها فکر میکنند که به این ترتیب میتوانند رژیم و بحران سیاسی و اقتصادی را هم چاره سر کنند و از این رو شدیدترین حملات را به طبقه کارگر داشته اند. خود رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران طرف حساب کارگران و مسئول این وضعیت هستند و کافی است تا تحصن و اعتصابی رخ بدهد و بویژه تحصن و اعتصابی، تجمع و ارتباطات و تشکلی رادیکال که بتواند سرمایه و حاکمیت رژیم را تهدید کند آنگاه همه میبینند که چگونه سراسیمه به سراغ کارگران و پای میز مذاکره با نمایندگان آنها میروند، طرف حساب ها راستش معلومند ولی آنچه که معلوم نیست طرف حساب رژیم و سرمایه داران از طرف کارگران است و این امکان داده

است که همه آنها هر روز کارگران را سر بدوانند، طبقه کارگر ایران در همه بخشها، از صنایع سنگین و نفت و فولاد و پتروشیمی و خودرو سازی تا کارگاه و کارخانه های نساجی همه از عدم وجود تشکل هایشان و رهبران و نمایندگانشان که برای جامعه شناخته شده باشند رنج میبرند.

مصطفی اسدپور:

يك صف موثر مبارزه کارگری چگونه میتواند باشد؟ خود شما از سازماندهی سراسری کارگری گفته اید. مشکلات متعددی در این زمینه هم هست. سیال بودن بافت کارگری کارخانه، سرکوب پلیسی از آن جمله اند. کمی بیشتر توضیح بدهید.

اسد گلچینی:

با برسمیت شناختن همه موانع و مشکلات و همچنین محدودیت ها و سنت هایی که بر مبارزات طبقه کارگر سنگینی میکنند، برای عبور جنبش کارگری در معضل کنونی و بویژه در رابطه با شرایط بردگی کار قرار داد موقت تلاشی همه جانبه و متکی بر ارتباط هایی که بین کارگران و در رشته های مختلف ایجاد شود ممکن است. روابط و شبکه ای از ارتباطات که بتواند مثلا خواست برچیده شدن قرارداد موقت کار و استخدام رسمی را مبنا قرار دهد. این خواست

همه کارگران را اعلام کنند و با بیانیه و قطعنامه های هر کارگاه و کارخانه و شرکت تبدیل شود و برای این بطور مستمر مبارزه کند، تلاشی که در برگزیده کارگران در همه صنایع و بویژه در صنایع اصلی که قادر به دامن زدن یک مبارزه سراسری با سرمایه داران و رژیم بشوند. این بنظر من راه حل است و بدیهی است که این آرزوی همه فعالین و دست اندرکاران این مبارزه هم هست. به نظرم موانع جدی در درون کارگران هم وجود دارد از جمله کش دادن نوع مبارزه کنونی که بیشتر محفلی و محدود است و نمیتواند برد و توان اجتماعی باشد و در سطح سراسری با اسم و رسم ظاهر شود و موجب جهشی در جنبش کارگری را فراهم آورد. هنوز روش ها و فعالیتهایی که بیشتر محفلی است اساس و محور است، کارگر نفت و پتروشیمی، فولاد، نساجی ها، خودروسازی تهران و تبریز و همه بخشها هنوز نه با اسم کارگران کارخانه و به نام آنها نمیتوانند اعلامیه حمایت از فلان حرکت کارگران و بهمان اجحاف سرمایه دار و دولت را بدهد و خواهان لغو کار موقت و قراردادی شوند و نه از طرق سایت های متعدد اینترنتی اخبار همدیگر را میتوانند به گوش هم و جامعه برسانند و نه شخصیتها و چهره های شناخته شده کارگران توانسته است

رادیکال و هر رهبر رادیکال کارگری را در فعالیت مشترک با وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی شان را هم سعی میکنند از میدان بدر کنند یعنی همان پیشه ای که داشته اند.

...ادامه فعالیت کمونیستی مصاحبه با فاتح شیخ

شک طبقه کارگر در ایران به هیچ چیزی کمتر از لغو فوری این قانون رضایت نمیدهد، تحقق این خواست مانند بسیاری دیگر از مطالبات کارگری در گرو اتحاد فشرده صفوف کارگران و در گام اول دامن زدن به جنبش مجامع عمومی است. تقویت اتحاد کارگران در عین حال به نوبه خود مستلزم آنست که به سایه سنگین این قانون بر کار و زیست و مبارزه طبقه کارگر و به قدرت مطلقه کارفرما پایان داده شود. از هر نظر در حال حاضر این یک عرصه حیاتی و مهم مبارزه جاری کارگری است.

fateh_sh@yahoo.com

کارگر بعنوان بخشی از خود رژیم و تشکیلی ضد کارگری در طول حیات جمهوری اسلامی و در خدمت آن و ابزار تحمیق و سرکوب مبارزه کارگر و فعالین کارگر بوده است، هر اختلافی که جناح های مختلف رژیم داشته اند خانواده گی بوده است. اینها مثل همیشه به شرایطی که طبقه کارگر در آن بسر میبرد و برایش فراهم میکنند اعتراض ندارند، اعتراض اینها به موقعیت و مکانی است که در این رژیم و سیستم برایشان در نظر میگیرند. هر موضوع مربوط به کارگران را خانه کارگر میتواند صاحب شود و در همین چهارچوب و سیستم خود وارد کند، به قراردادهای موقت کار اعتراض میکند و کارگران را سعی میکند زیر پرچم خانه کارگر و تجمعاتشان بکشاند و در کریورهای رژیم بر سر همین دنباله روی کارگران بده و بستان خود را انجام میدهند و میتوانند با شرکا به توافق هم برسند و... اینها محصول همان سرکوب جنبش کارگری و از عاملان آن بوده اند و در غیاب صف کارگری که خواست و مطالبات جنبش کارگری را برافرازد و جنبش مجمع عمومی و نمایندگان آنها که بتواند اتحاد کارگران را نمایندگی کند کماکان هستند و هر حرکت

موقت و برسمیت شناختن استخدام رسمی، بیمه بیکاری برای همه زنان و مردان آماده به کار، از همه سازمانهای کارگری و از همه انسانهای آزادیخواه و تشکل و احزاب انسان دوست و کارگری در دنیا بخواهد که طبقه کارگر ایران را حمایت کنند و ...

در حال حاضر حیاتی ترین مساله طبقه کارگر و مصاف بزرگی که با آن روبروست مبارزه بر علیه قرار داد های موقت و خواست اشتغال رسمی است و این میتواند منجر به اتحاد و انسجام خود طبقه کارگر هم بشود و میتواند و حیاتی است که موضوع کار ما در جنبش کارگری از هم اکنون برای اول ماه مه و کارزار طبقه کارگر در روز جهانی کارگر باشد.

مصطفی اسدپور:

و سوال آخر من در مورد خانه کارگر است. این نهاد از فعال ترین جریانات علیه کارهای قراردادی است. تریبون هم دارند. هدف اینها هر چه باشد، آیا میتوان به آنها به مثابه سبب خیر نگاه کرد؟

اسد گلچینی: یکی از معضلات و موانع و طرف حساب کارگران همین خانه کارگر است. مساله این است که خانه

از انگشتان دست فراتر رود. در چنین شرایطی اعتراض به وجود قرارداد های موقت را میبینیم که خانه کارگریها در نقاط مختلف از زاویه منفعت خودشان دارند میکنند و میدانند که طبقه کارگر را موجی از اعتراض به نسبت این قانون در بر گرفته است و میخواهند آن را مهار کنند. جای جنبش کارگری و مقابله اش از طرق مجامع عمومی و در سطح اجتماعی با رهبران و نمایندگان کارگران خالی است.

اهمیت مبارزه ای سراسری در همین است که میتواند فعالین کارگری را به دنبال هم بکشاند و همدیگر را بیابند و این اعتراض را به مجامع عمومی در مراکز مختلف بکشاند و در برابر موانع درونی و استدلالات محافظه کارانه هم جواب داشته باشند و تعرضی قوی را سازمان بدهند. به نظرم نه تنها این بلکه با شروع اولین حرکات چنین مبارزه ای حمایت ها و قطعنامه های مختلف از بخشهای مختلف کارگران و با اسم و رسم خود و کارگاه و کارخانه هایشان جاری خواهد شد.

قطعنامه ای که کارگران در این خصوص داشته باشند و در مجامع عمومی کارگران طرح شود بنظر من از جمله میتواند در برگیرنده این مواد باشد: لغو قرارداد

زنده باد جنبش مجمع عمومی کارگران



درسها و تجاربی از اول ماه مه

نسان نودینیان

فعالین و سازماندهندگان مبارزه کارگری در طول حیات رژیم اسلامی هر ساله اول ماه مه روز جهانی کارگر را علیرغم همه محدودیتها، سرکوب و خفقان، در اشکال مختلف، از جمع های کوچک تا تجمع های هزاران نفره برگزار کرده اند. مراجعه به این تاریخ و تجارب و سنت های فعال و درگیر از ضروریات پیشروی این جنبش است. جنبش کارگری برای موجودیت این روز و تحمیل آن و امکان تجمع آرادانه و مستقل خود از دولت با چنگ و دندان مبارزه کرده است. چند سال گذشته فعالین این جنبش در ابعاد وسیعتر و اجتماعی تری ادامه و حضور جنبش کارگری را ممکن کرده اند. حمله به معیشت طبقه کارگر از طرف سرمایه داران و رژیمش در ابعاد مهلکی در جریان است فعالین و رهبران کارگری در اول ماه مه ۸۴ چگونه به مقابله با این شرایط خواهد رفت؟

نسان نودینیان از رهبران کمونیست و نویسنده کتاب " جنبش اول ماه مه در کردستان ۱۳۷۸ - ۱۳۵۸ " که در شهریور سال ۱۳۷۸ منتشر شده است. نکاتی را به اختصار در پیشواز این روز یادآوری کرده است.

درگیر است - جنبش کارگری طی چند سال گذشته در اعتراض و نارضایتی و اعتصاب قرار گرفته و به دامنه بحران سیاسی جمهوری اسلامی افزوده است و از طرفی به دامنه زیر منگنه گذاشتن دولت و کارفرماها و کل نظام حاکم در سطح بین المللی افزوده شده.

جنبش کارگری ایران طی چند سال گذشته تجارب مهم و گرانبهایی را در کشمکش طبقاتی و رویا رویی کارگر مزدبگیر با کارفرمای سودجو و دولت جنایتکار و ضد کارگر از خود نشان داده و در عرصه جامعه و علنی ابراز وجود کرده است. در طول بیش از دو دهه گذشته چشم های میلیونها نفر مردم معترض ایران، رنجبران و ستمکشان جامعه ایران، میلیونها انسان زحمتکش که محتاج تامین نان شب

اینها همه از ثمرات حاکمیت سیاه و نکبت جمهوری اسلامی است. که مبارزه برای تامین يك روز به مشغله زندگی میلیونها خانواده کارگر تبدیل شده است. در چنین شرایطی مبارزه طبقاتی کارگر و مبارزه برای رهایی از چنگال سناریوی مرگ و زندگی به ستون اصلی اعتراض کارگران و جنبش کارگری تبدیل شده است.

در روز جهانی کارگران اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت باید تمام خشمهای فروکوفته را بیرون ریخت و موجی از تنفر و انزجار از سرمایه و سرمایه داران و جمهوری اسلامی را در خیابانها، مراکز کار و تجمعات بزرگ و کوچک ابراز کرد.

اوضاع سیاسی در ایران ملتهب است - جمهوری اسلامی با بحران روزانه

جمهوری اسلامی سرمایه در ایران، زندگی سخت و پر مشقتی را به کارگران و اقشار وسیعی از جامعه تبدیل کرده است. در اثر استثمار و فقر و فلاکت کمر کارگران شکسته شده است. کارگران در مقابل شرایط بغایت پیچیده ای به لحاظ اقتصادی و تامین معیشت قرار گرفته اند. کار موقت و بیکاری، اضافه کاری، دربدری و دنبال کارهای دوم و سوم گشتن، ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار روزانه و دوندگی تا بوق سگ، تحمیل قانون ضد انسانی قراردادهای موقت کار، تامین معیشت و بی پولی همه را بخاک سیاه کشانده است. نپرداختن دستمزدها، تعطیلی یکی بعد از دیگری کارخانه و مراکز تولیدی و بالا کشیدن ماه ها دستمزد کارگران از طرف کارفرما و دولت دیگر بخشی از مبارزه و اعتراض کارگر است. و

اول ماه روز جهانی کارگر، هشت مارس روز جهانی زن جلوه های نمایش بین المللی و جنبشی کارگران است - اینروزها در تاریخ جنبش سوسیالیستی ثبت شده است - و مورد احترام عمیق میلیونها انسان در اقصی نقاط جهان میباشد - از طرف جنبش کارگری و جنبش برابری حقوق زنان هر ساله در بیشتر کشورهای دنیا در گرامیداشت روز جهانی کارگر و روز جهانی زن مارش خیابانی، میتینگ و تظاهرات و اقدامات سمبلیک برای اتحاد و همبستگی جهانی این روزها برگزار میشود. در کشورهایی مثل ایران جنبش برابری زنان و جنبش کارگری با طرح مطالبات این جنبشها کيفر خواست میلیونها زن و کارگر را در سطح جامعه مطرح میکنند.

خود و خانواده هایشان هستند، به کارگران و اعتراض آنها دوخته شده است.

درسها و تجاربی از ماه مه

نقش رهبران عملی در برپایی مراسم های اول مه

در مراسمهای اول مه سنندج در سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ نقش موثر، مفید و سازمانده رهبران عملی در تدارک مراسمهای اول ماه مه را میتوان دید.

همزمان با آکسیونهای ماه مه در سنندج، تحول مهم دیگر در جنبش کارگری ایجاد اتحادیه صنعتگر در این شهر بود. پیروسی کسب آمادگی برای برپایی آکسیونهای گسترده ماه مه در سنندج و تلاش برای برپایی تشکل کارگری رادیکال در این دوره بطور واقعی از هم جدایی ناپذیرند. اتحادیه صنعتگر اقدامات معینی را بنفع کارگران انجام داد. بیمه کردن کارگران بویژه در کارگاههای کوچک، رسیدگی به وضعیت کارگاههای کوچک، ایجاد شرکت تعاونی و پیگیری سواد آموزی از مهمترین اقدامات این اتحادیه بود. اتحادیه صنعتگر و دفتر آنها محملي بود که کارگران و رهبران عملی آنها بدور هم جمع میشدند. تدارک مراسمهای ماه مه از سال ۶۵ تا ۶۷ اساسا از این کانال میگذشت. همزمان با فعالیت متشکل کارگران

در اتحادیه صنعتگر سازمانیابی کارگران در شکل صندوقهای مالی کارگری که بشکل نیمه مخفی نیمه علنی فعالیت میکرد، در سازماندهی و بسیج توده ای کارگران موثر بود. مراسم اول مه سال ۶۸ در غیاب اتحادیه صنعتگر به ابتکار فعالین صندوقهای مالی برگزار شد. اتحادیه صنعتگر و صندوقهای کمک مالی به کارگران اساسا ابتکار رهبران عملی کارگری برای سازمانیابی کارگران بویژه در مراسمهای اول ماه مه بود.

اول ماه مه روز ابراز وجود کارگران و مردم!

سنتا و بویژه بعد از انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷ اول ماه مه روز ابراز وجود کارگران و مردم است. جشن اول ماه مه ۱۳۵۸ اولین مراسمهای روز کارگر بعد از سرنگونی رژیم شاه بود. مراسم سال ۵۸ در میان خروش انقلاب در شهرهای ایران برگزار شد. در تهران حدود نیم میلیون نفر و صدها هزار نفر در شهرهای مختلف بمناسبت روز جهانی کارگران رژه رفتند. جنبش کارگری و پرولتاریای انقلابی در اولین مراسمهای روز جهانی کارگر با پرچم "لغو قانون کار زمان شاه و تدوین قانون کار جدید" بمیدان آمدند. در بیش از دو دهه گذشته کارگران و اقشار مختلف اجتماعی از

مزدبگیران جامعه، معلمان و پرستاران در ابعاد وسیع اجتماعی در شکل اعتراض خیابانی، تحصن و اعتصاب رو در روی دولت و کارفرما قرار گرفته اند. اول ماه مه محل نمایش قدرتمندتر و گسترده تر کارگران و مزدبگیران جامعه ایران است.

کارگر، معلم و پرستار و مزدبگیران زحمتکش جامعه در اینروز با پرچم «زنده باد اول مه روز همبستگی طبقاتی کارگران» و با پرچم تحقق مطالبات و خواستههای جنبش کارگری از جمله پرداخت حقوقهای پرداخت نشده، ایمنی محیط کار و مطالبه آزادی تشکل و بیان ابراز وجود اجتماعی خواهند کرد.

جنبش کارگری در اول مه امسال باید با بسیج کارگران و مزدبگیران جامعه علیه «قراردادهای موقت» کار که زندگی و هست و نیست کارگران را زیر سوال برده و تحمیل خاموشی بکارگران است، بایستد. اول ماه مه باید به روز اوجگیری و اعتراض کارگران به قراردادهای موقت تبدیل شود. جامعه باید در اینروز بیشترین سمپاتی و طرفداری از کارگران و علیه قرار دادهای موقت کار موضع بگیرد. دولت و کارفرماها باید در اینروز بخاطر تحمیل سیاست قرار دادهای موقت کار محکوم شوند و کارگران و مزدبگیران جامعه باید با ابراز وجود اجتماعی

زمینه های اعتراضی و سازمانیابی کارگران را برای بشکست کشاندن و به عقب راندن سیاست ضد کارگری «قراردادهای موقت کار» فراهم کنند. بسیج و سازمانیابی کارگران، صدور قطعنامه و جلب حمایت بین المللی رکن اساسی ناکام کردن دولت و کارفرماها است.

اول ماه مه روز تقویت گرایش کمونیستی و رادیکال در درون طبقه کارگر و مردم است!

حکومت بورژوازی اسلامی، دولت و کارفرماهای بورژوا و سرمایه داران از تجمع کارگران هراس دارند. در روز اول ماه مه در بیشتر کشورهای دنیا دولتهای بورژوازی در حال آماده باش هستند و در مقابل رژه و مارشهای کارگران با سربازان مسلح محلهای تجمع کارگران را نظامی میکنند. دقیقا به این دلیل اول مه روز ظرف اتحاد و تشکل کارگران است. و به این دلیل در اینروز مطالبات رادیکال و کمونیستی در مقابل آنها علم میشود. به هر درجه فعالین جنبش کارگری بتوانند در روز اول مه در ایجاد مراسمهای مستقل کارگری دخالت کنند، و موجبات شرکت تعداد زیادی از خانواده های کارگری و مردم را فراهم کنند، به همان نسبت توانسته اند شعار و مطالبات رادیکال و

مبارزاتی کارگران را در جنبش کارگری و جنبش توده‌ای گسترده و وسیع کنند، و به ایجاد تشکلهای مبارزاتی در میان توده‌های کارگران و مردم کمک کنند. طرح مطالباتی از قبیل «لغو قانون و سیاست ضد کارگری قراردادهای موقت»، «افزایش فوری دستمزدها»، «پرداخت فوری حقوق و مزایای عقب افتاده»، «آزادی بدون قید و شرط تشکل و بیان و عقیده»، «برابری حقوق زنان با مردان»، و ده‌ها مطالبه و خواست و شعاری که امروز در جنبش کارگری در اعتراضات ملیونی معلمان و پرستاران و مزدبگیران زحمتکش جامعه در مقابل دولت و کارفرما قرار داده میشود و مطرح شده است، خواستهایی هستند که رفاه و آسایش و امنیت زندگی و شغلی را تامین میکنند و مطالبه و پرچم کمونیستها هستند. طرح این مطالبات و شعار «آزادی برابری مرگ بر جمهوری اسلامی» «تقویت گرایش رادیکال و کمونیستی در اول مه است».

اول مه سنت کمونیسم کارگری در کردستان! عروج کمونیسم کارگری در تقابل با ناسیونالیسم قومی و عشیره‌ای!

اول مه در کردستان ایران، ارتقا و رشد این جنبش تاب سطح برپایی مراسمهای قدرتمند مستقل کارگری در شهرهای کردستان بویژه سنندج به عروج و رشد جریان کمونیسم کارگری در کردستان مربوط است - از این جریان و عروج منصور حکمت و حکمتیسم در کردستان نشأت گرفته و برخاسته است - اول مه سالهای ۶۴ تا ۶۸ در سنندج، و در ادامه سنت پایدار برپایی برپایی اول مه و مراسمهای مستقل کارگری، پژواک قدرتمند کمونیسم کارگری - حکمتیست در کردستان است - کمونیسم کارگری با استوار کردن کارگران و متکی شدن به سازمانیابی کارگران و مردم زحمتکش در کردستان برای اولین بار در تقابل با جنبش "کردایه‌تی" که از روز جهانی کارگران برای امیال "ملی" و "میهنی" و "کردستانی" و "قوم پرستی" با طرح مطالبات صنفی در چهارچوب جنبش کردایه‌تی و فدرالیسم مینگریست، اینبار با الگوی سازمانیابی کارگران و با بدست گرفتن تجارب مبارزات کارگران در سطح بین‌المللی به تقویت گرایش رادیکال کمونیستی در میان کارگران پرداخت، و طی سالهای متمادی با جواب دادن به معضلات درون

جنبش کارگری و با طرح مطالبات شفاف و روشن کارگران تا امروز با طرح یک دنیای بهتر برنامه‌هایی میلیونها نفر از مردم زیر بار ستم طبقاتی سرمایه، قدم به قدم در راه کسب قدرت سیاسی بعنوان آلترناتیو سوسیالیستی در جامعه عمل کرده است - در این رابطه وظیفه کارگران کمونیست و انقلابی در شهرهای ایران این است که در طرح مطالبات رادیکال و سازمانیابی کارگران و توده‌های مردم برای برپایی مراسم‌های باشکوه اول ماه مه دخالت کنند.

خانواده‌های کارگری، معلمان، پرستاران، دانشجویان و محصلین و مردم زحمتکش ستون برپایی مراسم باشکوه اول مه هستند!

ملا و شیخ و آخوند و سرمایه‌داران در مراسمهای اول مه شرکت نمیکنند - از این روز هراس دارند - عید رمضان و قربان و انواع مناسک مذهبی روز اتحاد ارتجاع است - روز اول مه روز اتحاد کارگر، معلم، پرستار، دانشجو و محصل و مزدبگیران زحمتکش جامعه ملیونی ایران است - سنتا و از قدیم و ندیم، سنت اول مه جشن ستم‌دیدگان و مزدبگیران جامعه است -

خانواده‌های کارگران ستون اصلی و فعال برپایی مراسمهای روز جهانی کارگران بوده‌اند - با شرکت در این مراسمها به فضای سیاسی و مبارزاتی و شادمانی برپایی روز کارگر تجلی بخشیده‌اند. رقص و ترانه خوانی و سرود و تاتر با تعریف خاطرات تلخ و شیرین زندگی از زندگی و رودر رویی با سرمایه را انجام داده‌اند، و در بیشتر مراسمها مدافعین مطالبات رادیکال و سوسیالیستی مراسم‌های اول مه بوده‌اند - از هم اکنون خانواده‌های کارگران، معلمان و پرستاران باید ب فکر تدارک اول مه باشند.

صدور قطعنامه سنت پایدار جنبش کارگری

صدور قطعنامه و بیانیه‌های اعتراضی و مطالباتی سنت دیرینه جنبش کارگری است - در ایران این سنت در اشکال مختلف توسط کارگران برای اعلام مطالبات و تبدیل کردن مطالبات کارگران به ظرف اعتراض تعرضی تر کارگران رایج است - اول مه روز صادر کردن قطعنامه و بیانیه‌های کوبنده کارگران علیه سرمایه، دولت و کارفرما است -

زنده باد سوسیالیسم

چرا "همه" ۸ مارس نشوند؟

در حاشیه مقاله "چه اتفاقی افتاده که همه آمده اند سراغ ۸ مارس؟" اسد گلچینی

برابری طلبی را دچار صدمه و محدود نگری میکند و در مسیری قدم خواهد گذاشت که به نفع اجتماعی کردنش نخواهد بود.

چرا باید این روی آوری و شرکت اینها در ۸ مارس را به فال نیک گرفت؟

بر خلاف تردید مهناز رسولی رو آوردن همه اینها به ۸ مارس بیش از هر چیز به معنای حضور قوی و محکم جنبشی است که قواره اش و مفهومش به ۸ مارس و تاریخ و سنتش بر میگردد که تا کنون و با همه مشکلات و خفکان و سرکوبی، از طرف همه سازمانها، حزب، فعال و نهاد های آزادیخواه و کمونیست در شهرهای کردستان پاسداری شده است و اگر این مورد توافق هست، روی آوری هر نهاد و جمع و نیرویی ناسیونالیست و... به معنای روشنی افق و اهدافی است که این جبهه تا کنون داشته است و

نیروها، فعالیتها، آرا و افکارشان.

اما آیا این هشدار ها میتواند با مانع شدن اینها به ۸ مارس یکی گرفته شود؟ آیا باید مانع شد؟ و آیا جنبش برابری طلبی خود دیگر آنچنان توده ای است که در برابر ارتجاع و عقب ماندگی و از جمله جنبش ناسیونالیستی بیمه است؟ ملا خور نمیتواند بشود؟ آیا تقابل این جنبشهای ارتجاعی با جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان، نه تنها در سطح سازمانها و نهاد ها و فعالین آنها، بلکه در سطح اجتماع نباید طرح شوند؟

نگرانی مهناز رسولی چنانچه به این معنی باشد که از این روی آوری به ۸ مارس، با هر تعبیری، نباید استقبال کرد، و آنرا با اعتماد بنفس و اغوش باز پذیرا نشد، اشتباه است و جنبش ما را، جنبش آزادیخواهی و

اند که جای سوزن انداختن نیست. دارند پای همدیگر را لگد میکنند تا جلو بزنند!"

و مهناز رسولی هشدار میدهد و نگران است که مبادا اینها به ۸ مارس که همواره جنبش آزادیخواهی را در شهرهای کردستان نمایندگی کرده و کارنامه سراسر درخشانی دارد، سایه اندارد.

من هم فکر میکنم که مهناز رسولی خیلی حق دارد نگران باشد و فکر کند که چگونه این جنبش مسیر تاکنونی خود را ادامه بدهد و نه تنها این که، همزمان صف آزادیخواهی زنان و مردان در جامعه در برابر جمهوری اسلامی، ارتجاع ملی و اسلامی و سنت مردسالار، هر چه شفافتر و اجتماعی تر شود، و از جمله در افتادن با همین

مهنار رسولی در مقاله ای تحت عنوان "چه اتفاقی افتاده که همه آمده اند سراغ ۸ مارس؟"

خبر از فعالیت نیروهای شهری کردستان به مناسبت ۸ مارس داده اند، نیروهایی که به سنت مبارزه ۸ مارس و مبارزه زنان و مردان آزادیخواه که غالباً کمونیستها و سوسیالیست ها را در بر میگیرد ربطی نداشته و نه تنها این، بلکه همیشه در مقابل آزادیخواهی ما بوده اند.

مساله این است که: "خانه تشکلهای، هلال احمر، انستیتوی خور هلات(شرق) انجمنهای کردی و خیریه، ناسیونالیستها و خلاصه شعرا و ادبای محترم کرد... در رقابت با هم ۸ مارس شده اند"

" طرفداران ۸ مارس امسال، آنقدر شلوغ کرده اند و چنان ترافیکی راه انداخته

دیگر میدان بازی در آینده فعالیت‌های جنبش و رهبران ماست. بدیهی است که آنها تلاش دارند در سطح اجتماعی، به میثاق الگو و رهبرانشان در کردستان عراق ۸ مارس را روزی در ادامه جنبششان بدانند و ۸ مارس را به زایده خودشان تبدیل کنند.

در طول ۲۵ سال گذشته به یمن فعالیت کمونیستی در شهرهای کردستان ایران این ممکن نشده است، کمونیسم کارگری و منصور حکمت و رهبران و چهره‌های سرشناس و کمونیست مردم در حزب حکمتیست، ریشه‌ای محکم در جامعه کردستان دارد این برای این جنبش و آینده‌اش حیاتی است، این جنبش و رهبران‌اش را باید اجتماعی و توده‌ای تر کرد و در هر قدم این مبارزه اجتماعی نگرانی‌های مهناسز رسولی‌ها و فعالین و رهبران این جنبش را یادآور شد و لحظه‌ای غفلت نکرد.

آنها خود را با رهبران‌شان، رزازی و جلال طالبانی‌ها تعریف کنند و کارنامه‌ای به قطوری همه جنایت و فجایع و ستمی که بر زنان جامعه تحت حاکمیت و فرهنگ رایج آنها در جریان بوده است را شریک شوند، و یا نه شاید انتخاب کنند مردم متمدن و آزادیخواهی آنها را در آغوش بگیرند و به آن بپیوندند، باید همه آنها و همه کسانی که بهر دلیل تحت تاثیر تبلیغات شان هستند را متوجه کنیم که حقوق زن و آزادی زن هیچ‌اما و اگر و شرط و شروطی نباید داشته باشد، بگذارید به ۸ مارس بپیوندند و تضمین کنیم که آنها و مردم هر چه بیشتری به سنت ۸ مارس میپیوندند و آنها سنت ۸ مارس را به رنگ جنبششان در نیاورند و این نکته اصلی در نگرانی مهناسز رسولی است که عمیقا باید شریک شد. ارتجاع، نهادها و جریانات قومی و ناسیونالیست میخوانند ۸ مارس را ملاخور کنند، این

بنظر من فعالین و رهبران تاکنونی ۸ مارس در شهرهای کردستان این فرصت را باید به فال نیک گرفته و همه مباحثات و مسایل مورد اختلاف با نظرات قومی و ناسیونالیستی و مذهبی در مورد زنان و امر آزادی زنان را به سطح اجتماعی بکشانند و مورد قضاوت اجتماع قرار دهند. روی آوردن نیروهایی که تحت نام کردایتی برای "حقوق زنان" فعالیت میکنند بیش از هر چیز حقانیت جنبش ۸ مارس را نشان میدهد و این فرصتی برای شناساندن و تعرض بیشتر به همه موانع ارتجاعی و سنتی پیشاروی زنان و جنبش آنهاست. بگذارید بحث‌های شما و خانم طلوعی‌ها در سطح اجتماع جاری شود، این بشدت شما را تقویت میکند و اسلام و ارتجاع قومی و ملی را در مقابل حقوق آزاد، برابر و جهانشمول زن، منفور و منزوی تر خواهد کرد، بگذارید در مراسم‌های ۸ مارس

عموما بی ربطی و شکست جنبش ناسیونالیستی و ارتجاعی موجود را نشان میدهد. و همین را هم باید در بوق کرد. بگذارید بدون هیچ‌اما و اگر اجازه داد و استقبال کرد از همه کسانی که فکر میکنند در ۸ مارس روز جهانی زن، باید کاری بکنند. بگذارید هر جمع و نهادی با هر تفسیر و تعبیری وارد مراسم‌های ۸ مارس بشوند و یا در ۸ مارس و در مورد زنان حرفشان را بزنند. همه اینها نه تنها به نفع و در تقویت ۸ مارس است و نه تنها این روز و سنت آنها بیشتر در جامعه معرفی خواهد کرد بلکه فضای مناسب تری برای همه فعالین و رهبران جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، برای پیشبرد فعالیتها و اهداف ۸ مارس و انسجام هر چه بیشتر آن ایجاد خواهد کرد. جنبش و رهبران آزادیخواه در این رویارویی‌های اجتماعی امکان خواهند یافت مورد انتخاب قرار بگیرند.

آزادی زن مرگ جمهوری اسلامی است، زنده باد ۸ مارس

در باره فعالیت کمونیستی

مصاحبه با فاتح شیخ

سازمانده کمونیست:

در شرایط و وضعیتی که جمهوری اسلامی عقب نشانده شده است، گذر از کار محفلی به فعالیت های اجتماعی بیش از پیش ضروری شده، کار محفلی و مخفی در همان سطح محدود کاربرد و تاثیر دارد، فعالیت اجتماعی کمونیستی و همزمان مقابله با محدودیتهایی که پلیس برای این فعالیت ها ایجاد میکند، تابع چه مکانیسم و سوخت و سازی است و فکر میکنید چه مواعی در کار اجتماعی کمونیستها وجود دارد؟

فاتح شیخ:

فعالیت کمونیستی فعالیتی اجتماعی و به این اعتبار اساسا علنی است. آنچه در شرایط خفقان پلیسی ناگزیرید غیرعلنی نگاه دارید، سازمان حزبی این فعالیت است. در سبک کار و تفکر چپ غیرکارگری (که به صفوف فعالین کارگری هم سرایت کرده است)، جای این دو عرصه فعالیت غالبا با هم عوض میشود: بجای اینکه با فعالیت اجتماعی و

بکارگیری مکانیسم های موجود در جامعه، محدودیت های تحمیل شده بر کار علنی را از سر راه بردارید، گویا باید با کار مخفی، خورد خورد شرایط را برای فعالیت اجتماعی آماده کنید!! این غیرممکن است. این به هیچ جا نمیرسد. این میتواند تمام عمر، شما را دور خودتان بچرخاند، زندگیتان را هدر دهد و شما فکر کنید فعالیت کرده اید حال آنکه بر اثر این "فعالیت" شما آب از آب جامعه تکان نخورده است! خود این هم البته یک پدیده اجتماعی است و حاصل سرکوب دائم کمونیستها و تحمیل خفقان و زندان و شکنجه و اعدام و ارباب و به تنگنا راندن و به گرسنگی کشاندن و غیره بر آنهاست. به شما تحمیل و تلقین میکنند که نمیتوانید فعالیت اجتماعی علنی بکنید؛ که راهی ندارید جز اینکه با یکی دو نفر "هم مشرب" خود کار مخفی بکنید و تا ابد بکنید و هیچوقت هم حاصلی نچینید.

برخلاف این تصور رایج در جامعه و "جاافتاده" در سنت چپ، این دور باطل ائتلاف عمر را

میتوان شکست و با دست بردن به مکانیسم های اجتماعی موجود، راه پیشبرد فعالیت علنی را میتوان شناخت و بکار بست. مبارزه طبقاتی علنی است. و اینطور نیست که فقط برای بورژوازی علنی است. برای کارگران هم علنی است. تفاوت در اینست که بورژوازی وسائل دسترسی به چشم و گوش مردم را در انحصار خود گرفته، درحالیکه کارگران باید با چنگ و دندان مبارزه کنند تا دیوار انحصار را بشکنند و دریچه ای برای رساندن صدای خودشان به مردم باز کنند. ولی خوشبختانه این شدنی است. بخصوص در شرایط کاملا جدید قرن بیست و یکمی، با عمومیت یافتن اینترنت و سایت و ساتلایت و امثال اینها و با سرعتی که روند جهانی شدن گرفته، قطعاً شدنی است. راههایش را باید پیدا کرد. و راهها اجتماعی اند قبل از آنکه سازمانی یا اجرائی - عملی باشند. سازمان حزبی و روال کارش، در دل یک فعالیت اجتماعی است که روان و کم اصطکاک، مثل ماشین روغنکاری شده، روی فرم و ریتم و

غلطک خودش میافتد و مدام آپدیت و بازتولید میشود.

حتی در شرایط پلیسی، حزب مخفی و فعالیت علنی لازم و ملزوم همدند. بدون داشتن فعالیت علنی اجتماعی، امکانات حزب مخفی آنقدر محدود میشود که امنیت فعالینش هم به سختی تامین شود چه برسد به بسیج و آگاهگری توده های وسیع و تعرض به بنیادهای وضع موجود. بدون جدارهای محکم اجتماعی به دور فعالیت سازمانی، فعالین کمونیست بی حفاظ در تیررس دشمن قرار میگیرند، که در بهترین حالت ناگزیر از اختفا و فرار میشوند و غالبا محیط طبیعی فعالیتشان را از دست میدهند. تفاوت حزب اجتماعی با تشکیلات فرقه ای غیراجتماعی در همین تقدم دادن فعالیت علنی اجتماعی بر سازمان و مجهز کردن سازمان به جدارهای حفاظتی متکی بر فعل و انفعالات جامعه است.

مبارزه طبقاتی را باید در قامت واقعی متنوع "گاه آشکار و گاه پنهان" آن دید تا بتوان به امکانات فراوان و بی پایان

است که این فعالین دائما با محدودیتهایی که دستگاه پلیس و اطلاعات رژیم برای فعالیت هایشان ایجاد میکنند، مواجه میشوند. اما خنثی کردن این محدودیتها در این شرایط حتما از توان چنین فعالین توانایی ساخته است، شرط آن بدست گرفتن اهرمهای اجتماعی و بکار انداختن بیوقه ابتکار و خلاقیت است. از نظر اجتماعی بسیج وسیعترین توده عرصه فعالیت و ظاهر شدن در نقش سخنگوی آنها در سطح جامعه و در میدیای داخلی و جهانی، از نظر سازمانی اتکا به مجمع عمومی در هر سطح از فعالیت، و از نظر پراتیکی در دست داشتن مدام ابتکار عمل فعال در بسیج مردم و امثال اینها، همگی از جنس برخوردهایی هستند که با عنوان عام مکانیسمهای اجتماعی درباره آن گفتگو کرده ایم.

جنبه دیگر اوضاع کنونی ایران سروکار داشتن با یک جمهوری اسلامی عقب نشانده شده و محکوم به رفتن و درگیر بحران است. شرایط سیاسی پپیچیده و مرکبی با دورنمای سرنگونی جمهوری اسلامی، با مخاطرات احتمالی دوره سرنگونی و مهمتر از همه با دوره ای از تقابلهای جنبشی و طبقاتی بعد از سرنگونی، در پیش خواهیم داشت. برای فعالین کمونیست ضرورت حیاتی دارد که نه فقط از خودویژگی این

العاده (که این روزها خیلی جاها "عادی" شده است) بتوانند توده های وسیع مردم را رهبری کنند و جامعه را از دوره بحران عبور دهند. خاصیت عام چهره و رهبر و سخنگو اینست که در شرایط مختلف، بسته به افقی که دارند در ظرفیت های اجتماعی و سیاسی گوناگونی ظاهر میشوند. یک مدافع سرشناس برابری زن و مرد، هنگام وقوع زلزله هم میتواند مبتکر توانای بسیج توده ای برای کمک رسانی و مبلغ چیره دست نوعدستی و همبستگی انسانی باشد. این روزها به وفور دیده میشود که فلان شاعر و نویسنده شناخته شده از چهره بودن خود برای حمایت از "فراخوان رفراندم" بهره میگیرد. یک چهره کمونیست هم که فرضا فعال عرصه کارگری یا دفاع از حق کودک و امثال اینهاست، در شرایط دیگری ممکن است مردم را در میلیس توده ای مسلح کند و در نقش فرمانده انقلابی، دارودسته های سناریو سیاهی اسلامی و یا قومی را از شهر و منطقه خودش جارو کند.

اگر با این تصویر نه چندان فرضی، به وضعیت کنونی ایران برگردیم می بینیم که امروز خوشبختانه فعالین و رهبران کارگری و چهره های سرشناس سایر عرصه های مبارزاتی، کم نیستند و مدام هم به تعدادشان اضافه میشود. روشن

سازی است و چه موانعی در کار اجتماعی کمونیستها وجود دارد؟ لازم است ابتدا موقتا از مسله محدودیتهای پلیس و همچنین وضعیتی که در آن جمهوری اسلامی عقب نشانده شده و غیره انتزاع کنیم و مشکل را در سطح دیگری بررسی کنیم. فرض کنیم دنبال جوابی هستیم که به درد فعالیت کمونیستی در سوماتالی و سعودی و کنگو و کوسوو و عراق هم بخورد، بعدا برمیگردیم و وضعیت کنونی جمهوری اسلامی را هم به حساب میآوریم.

امروز نه فقط در ایران زیر حاکمیت اسلام، بلکه در اکثر نقاط دنیا، جوامع زیادی با بحرانهای سیاسی حاد و حتی به درجاتی با سناریو سیاه درگیرند. خیلی جاها این اوضاع سیاه به "نرم" جامعه تبدیل شده است. درچنین دوره ای فرمول عام و کلاسیک "تلفیق کار مخفی و علنی" کمک چندانی نمیکند و دستکم در این بیان عام، بعنوان یک اصل راهنمای فعالیت کمونیستی برای دنیای معاصر ما کارساز نیست. یک سوال واقعی دنیای امروز اینست که کمونیستها برای ایفای نقش در شرایط سناریو سیاه چکار میکنند؟ فعالین کمونیست باید در استفاده از مکانیسم های اجتماعی و تبدیل شدن به چهره و رهبر و سخنگوی حرکت های طبقاتی و رادیکال، چنان ظرفیت بالائی از خود نشان دهند که در شرایط بحرانی و فوق

مکانیسم های اجتماعی دست برد. کسی که بطور مثال در کنار مبارزه برای افزایش دستمزد و علیه اخراج کارگران و غیره، فکر نکند که مبارزه علیه حجاب و جداسازی زنان هم عرصه ای جدی از مبارزه طبقاتی است که فعالانه باید در آن شرکت کرد، یا دفاع از آزادی بیان، یا دفاع از آزادی زندانی سیاسی، یا دفاع از حق کودک، یا دفاع از نسل جوان در درگیری هرروزه اش با قوانین اسلامی و ارگانهای سرکوب، یا مقابله با تعرض شب و روز مذهب به جسم و روح انسانها، و همه اینها را بعنوان عرصه های دخالت فعال کمونیستها جدی نگیرد، معلوم است که از دست بردن به مکانیسم های اجتماعی کم میآورد و ناتوان میماند. هر یک از این عرصه ها نیرو بسیج میکند، معادله قدرت در جامعه را تغییر میدهد و در دل اینهاست که فعالیت کمونیستی، یعنی تلاش بانقشه برای کسب قدرت سیاسی و سازماندادن انقلاب سوسیالیستی، میتواند جلو برود. خصلت اجتماعی فعالیت کمونیستی، از اتکایش به جنبش طبقاتی وسیع، از دخالت در عرصه های متنوع و ظاهر شدن در قامت صاحب جامعه در میآید.

برای رسیدن به جواب واقعی این سوال که: فعالیت اجتماعی کمونیستی تابع چه مکانیسم و سوخت و

چگونه میشود یک رهبر اعتراض شد و علنی بود و به چهره و شخصیت محبوب توده مردم تبدیل شد؟

فاتح شیخ:

برای این کار، خودآموزی وجود ندارد، اما در تاریخ جنبش ما و در پهنه جهانی این جنبش در این دوره، نمونه های درخشان فراوانی داریم که شرح حال شان از این نظر تا بخواهید آموزنده است. به زندگی هر فعال صاحب نامی در جنبش کمونیستی کارگری نگاه کنید در اولین نظر خواهید دید که او یک رهبر اعتراض، یک چهره علنی و یک شخصیت محبوب کارگران و توده مردم بوده است. بنابراین میتوان مقابلا سوال کرد که چگونه میشود یک فعال کمونیست بود اما به یک رهبر اعتراض، به یک چهره علنی و به یک شخصیت محبوب توده مردم تبدیل نشد؟

هر اعتراض کارگران و مردم، در یک مکانیسم واقعی و بر یک کانتکت معین صورت میگیرد که راه تبدیل شدن یک فعال کمونیست به رهبر اعتراض و به چهره و شخصیت محبوب توده مردم را در خودش نهفته دارد. درک این مکانیسم و شناخت درست از مشکلی که باعث اعتراض شده است یافتن راه حل مشکل را بدست میدهد، رهبر کسی است

ندارد، با جامعه ای مانند ایران کنونی که در آن کمونیسم یک نیروی سیاسی موثر در جامعه، یک عنصر فعاله تغییر اجتماعی، یک پای تحول سیاسی، یک مدعی قدرت و یک طرف جدی و قابل محاسبه در جدال بر سر قدرت است. این واقعیت سیاسی، وظایف بزرگ و در عین حال شورانگیزی، در برابر حزب حکمتیست و فعالین کمونیست میگذارد که جوهر آن تلاش برای استفاده از دریچه فرصتی است که برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران به روی کمونیستها باز شده است. این یعنی نوع دیگری از سرعت عمل و صرف انرژی، نه تنها برای تامین ملزومات از دست ندادن این فرصت، بلکه برای جبران لطماتی که با مرگ منصور حکمت و دوشقه شدن حزب او، بر جنبش ما وارد آمده است. جایگاه و نقش حزب حکمتیست در این روند، چیزی جز احساس مسئولیت بالای این حزب در برابر جنبش و فعالین کمونیست آن و گرهگشایی مشکلات مبارزه سرسختانه شان نخواهد بود. خود همین نشریه "سازمانده کمونیست" شاهد زنده این احساس مسئولیت حزب حکمتیست در برابر فعالین کمونیست است. اینجا هم اما جاده یکطرفه نیست.

سازمانده کمونیست:

نظر من درباره اوضاع دوره پیش رو است. نه فقط در زمینه الزامات سیاسی و تاکتیکی رویارویی با دوره آتی و مسائل مربوط به سرنگونی رژیم اسلامی (که منشور سرنگونی جمهوری اسلامی منتشر شده توسط حزب حکمتیست اساسا راجع به آنست) بلکه در زمینه افق و استراتژی بعد از سرنگونی، نحوه برخورد از هم امروز با انقلابی که پس از سرنگونی جمهوری اسلامی به نبردهای جدی طبقاتی میدان خواهد داد. ترجمه عملی این برای کمونیست ها و طبقه کارگر جز انقلابی بیوقفه تا کسب و استقرار قدرت سیاسی و برقراری سوسیالیسم نخواهد بود. مسلح بودن به افق روشن در ارتباط با دوره پیشارو و انقلاب بیوقفه آتی، بدون شک بر نحوه برخورد و سرعت عمل فعالین کمونیست در پایان دادن به این دوره تاثیر قاطع خواهد داشت. حزب حکمتیست قطعا یک پای این جدل است. اما این جاده یکطرفه نیست. فعالین کمونیست درگیر در حرکات اجتماعی هم باید طرف ثابت دیگر و پای فعال چنین جدلی باشند.

در مورد جایگاه و نقش حزب حکمتیست در این روند علاوه بر آنچه گفتم، توضیح یک واقعیت را ضروری میدانم. باید فرق گذاشت بین وضعیت جامعه ای که کمونیسم در آن موقعیت سیاسی و حزبی نمایان و نیرومندی

لحظه و از منطق تحولی که در پیش است تبیین و ارزیابی درست و دقیق داشته باشند، بلکه خود را از امروز برای بدست گرفتن رهبری و ابتکار عمل در شرایط پرتحول آتی آماده کنند. جوهر این آمادگی، جهیدن از گذشته آغشته به دیدگاه چپ سنتی، از دوره و شیوه کار محفلی، بدست گرفتن اهرم های موجود در جامعه و ظاهر شدن در نقش چهره و سخنگوی حرکات توده ای و جنبشهای اجتماعی جاری است.

سازمانده کمونیست:

فکر نمیکنید این دوره زیادی دارد طول میکشد؟ چه مشکلاتی پیشاروی فعالین کمونیست در همه عرصه های مبارزه هست؟ راه حل شما چیست؟ حزب و حکمتیستها چه جایگاه و نقشی در این روند دارند؟

فاتح شیخ:

بطور قطع تا همینجا هم این دوره زیادی طول کشیده، چون این سنت ها زیادی جانسخت بوده اند. این واقعیتهای است که تنها با گرهگشایی میتوان به مصافش رفت. مشکلات واقعی پیش پای فعالین کمونیست هست که یافتن راه حل برایشان هم پراتیکی است و هم نیازمند جدل. جدل با سنت های غیراجتماعی چپ، جدل با گذشته، بخش ضروری کار است اما هسته اصلی جدل، به

که به توده اعتراض کننده بگوید این راه حل کدام است و معنی پیروزی اعتراض در آن شرایط مشخص چیست؟ علاوه بر این، پیروزی هر اعتراضی آکسیون در گرو بسیج توده ای، سازمان یافتگی و داشتن چهره و سخنگو است، کافی است فعال کمونیست ما ایفای چنین نقشی را عهده دار شود و در این پوزیسیون در صف مقدم اعتراض ظاهر شود. هیچ چیزی طبیعی تر از این نیست که توده معترض پشت سر چنین فعالی صف بکشد، او را حمایت کند و بخواند و بکوشد که زیر رهبری او به پیروزی برسد. این واقعیت که طبقه کارگر صف بی رهبر نیست حاصل موقعیتی اجتماعی ای است که این طبقه را ناگزیر از اعتراض و لاجرم ناگزیر از داشتن رهبر اعتراض میکند. کلید تبدیل شدن به چهره و شخصیت محبوب کارگران و مردم چیزی جز نیاز مبارزه و اعتراض آنان به رهبری و جواب درست و بموقع فعالین کمونیست به این نیاز نیست. رهبر اعتراض شدن در دل همین روندهای عینی و مکانیسم واقعی تقابلهای اجتماعی تحقق مییابد و بازتولید میشود.

سازمانده کمونیست:

رهبران و فعالین کارگری هنوز به ندرت قادر و یا حتی مایل به تبدیل شدن به سخنگو و

چهره علنی اعتراض و مبارزه شان هستند، مثلاً کارگران فعال در ایران خودرو تحت عنوان: "جمعی از کارگران ایران خودرو" اظهار نظر میکنند و اعلامیه پخش میکنند، سایتهایی هنوز وجود ندارد که کارگران و تشکل هایشان در راس آنها باشند و ... پاسخ شما به این معضلات چیست؟ راه حل شما چیست؟

فاتح شیخ:

رهبر و فعال کارگری باید فکر کند چرا و چگونه سی سال قبل در یک کشور زیر دیکتاتوری در آمریکای لاتین، دومیتیل، کارگر زن فعال اتحادیه و صاحب کتاب بامسمای "بگذار سخن بگویم!"، توانست سخنگو و چهره علنی اعتراض و مبارزه کارگران بشود (و هنوز هم هست)، چرا او امروز نمیتواند؟ درحالیکه دنیای امروز امکانات به مراتب بیشتری در مقایسه با دوره فعالیت دومیتیل، بخصوص در زمینه ارتباطات در اختیار رهبر و فعال کارگری ما میگذارد. بعلاوه در این جامعه به دلیل حضور یک کمونیسم اجتماعی، روشن بین، کارگری، رادیکال، ماگزیمالیست و مسئول در صحنه سیاسی و اجتماعی، باز هم زمینه برای تبدیل شدن رهبران و فعالین کارگری به سخنگو و چهره علنی اعتراض و مبارزه توده ای مساعدتر است. یک

پای راه حل مساله، قطعاً تصمیم و اراده خود رهبران و فعالین کارگری است. اما پای دیگر آن به نظر من یک مبارزه اجتماعی همراه با یک جدل فکری در این زمینه است؛ که حزب ما با کمک آن بخش از فعالین کمونیست که فی الحال قدم در این راه گذاشته اند، باید به پیش ببرد. چنانکه قبلاً هم اشاره کرده ام، سیاست آگاهانه طبقات حاکم، کاری کرده است که چپ و کمونیسم در جامعه به فرقه تبدیل شده و توقعاتش در محدوده کار مخفی محبوس مانده است. این یک سنت است که زندگی زیر سرکوب به کمونیست و چپ "یاد" داده و به محافل کارگری و صف فعالین آن هم سرایت داده است. این خود به یک مکانیسم اجتماعی ولو تحمیلی بدل شده است که علاوه بر نقد، باید با ارائه مکانیسم اجتماعی بدیل به مصافش رفت.

سازمانده کمونیست:

در مورد قانون قراردادهای موقت کار، چه معنایی برای طبقه کارگر دارد و چه تاثیری بر اعتراض و مبارزه شان میگذارد؟ طبقه کارگر چه باید بکند؟

فاتح شیخ:

این یک عقب نشینی بزرگ حتی در قیاس با آخرین سالهای رژیم شاه است که طی این سالها به

طبقه کارگر در ایران تحمیل شده است. در زمان شاه که هیچ شهروندی احساس برخورداری از حق و حقوق شهروندی نمیکرد، هنوز ما شاهد تحمیل چنین درجه ای از تعرض به طبقه کارگر نبودیم. بعد از سقوط رژیم شاه، یکی از خواستههای کارگران قراردادی (یا پیمانی)، لغو قراردادهای موقت بود. در آن مقطع، تنها بخش کوچکی از طبقه کارگر زیر یوغ قرارداد موقت کار میکرد. امروز بر بخش اعظم کارگران تحمیل شده است. این البته پدیده ای جهانی است و در اکثر کشورها در چند دهه اخیر وسعت بیسابقه ای یافته است. این پلاتفرم راست ترین جناح بورژوازی است که حتی در کشورهای پیشرفته اروپا و آمریکای شمالی هر جا با مقاومت نیرومندی مواجه نبوده به "نرم" بازار کار بدل شده است. بطور مثال در آمریکا روز به روز دادن اختیار تام اخراج به کارفرما در شکل قراردادهای موقت کار، بر بخشهای وسیعتری از کارگران (و حتی کارمندان) تحمیل میشود.

این ناامنی مطلق شغلی، این بیحقوقی مطلق کارگر در برابر مطلق العنانی کارفرما تاثیرات مخرب بزرگی بر اعتراض و مبارزه و اتحاد کارگران بجا گذاشته است. بدون

با حزب کمونیست کارگری — حکمتیست آشنا شوید

تلویزیون پرتو

برنامه ای از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست است
 دبیر: اذر مدرسی
 این برنامه ها هر چهارشنبه ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه تا ۸ و ۳۰ شب
 به وقت تهران ۵ تا ۶ به وقت غرب آمریکا از کانال یک روی
 ماهواره تله استار ۱۲ پخش میشود
 این برنامه ها ۵ شنبه ها ساعت ۱۱ تا ۱۲ ظهر به وقت تهران
 مجددا پخش میشود

نشریه اینترنتی ایران تریبون

به سردبیری صلاح ایراندوست و
 همکاری محمود قزوینی و یوسف
 رسولی .
 به سایت ایران تریبون در این
 آدرس مراجعه کنید
iran-tribune.com

آدرس و تلفن تماس با نشریه سازمانده کمونیست

sazemande@yahoo.com
 Tel:0044 794 041 6768
agolchini@yahoo.com

رادیو پرتو

روی طول موج
 کوتاه ۴۹ متر برابر
 با ۵۸۱۰ مگاهرتز
 هر شب ساعت ۹ به
 وقت تهران

www.radiopartow.com/
 دبیر: مصطفی اسد پور

بولتن کارگری

نشریه ای برای جنبش
 کارگری

سه شنبه ها به سردبیری
 محمود قزوینی منتشر میشود

آدرس تماس:

Www.boltan@gmail.co

نشریه کمونیست

جمعه ها منتشر میشود
 سردبیر اعظم کم
 گویان

حکمت



Www.hekmat.cc
Mailbox.hekmat@gmail.com

سردبیر کورش مدرسی

رهایبی زن سردبیر مهنروش
 موسوی

اکتبر سردبیر عبدالله شریفی
 جوانان حکمتیست سردبیر

فواد عبدالمهدی
 بی خدایان سردبیر اعظم کم

گویان
 پاسخ

کازیوه
 سرنبر محمد فتاحی

بی مرز

نشریه سازمان سراسری
 پناهنگان ایرانی

سردبیر: سعید یگانه
Www.Bimarz.net

مروارید

به سردبیری نسرين
 جلالی منتشر میشود

جوان تریبون

نشریه ای ماهانه از جوانان حکمتیست
 سردبیر عباس رضایی

اول کودکان

سردبیر ثریا شهابی

از سایت کمیته کردستان

حزب دیدن کنید

Www.oktoabr.com

اخبار فعالیتها، نشریات و ادبیات حزب حکمتیست و
 همچنین حزب کمونیست کارگری عراق را از این سایت
 ها میتوانید دریافت کنید

www.hekmatist.com

www.javanX.com

www.oktoabr.com

www.rahai-zan.com

Www.bikhodayan.com

www.pasox.org

Www.radiopartow.com

به حکمتیست ها بپیوندید